

# جستاری در منظومه «ظهر روزدهم»



ادبیات ایران زمین بی گمان از همان زمان آغازین شکل گیری خویش، با باورها و پشتوانه‌های فرهنگی و مذهبی همراه بوده است. شعر پارسی بدون بهره‌گیری از پشتوانه‌های فرهنگی، همچنین بدون بهره‌گیری از روایات و تلمیحات اسلامی و مذهبی اساساً کم‌فروغ جلوه خواهد کرد. به دیگر سخن، می‌توان گفت باورهای مذهبی جوهر اصلی شعر ایرانیان است و شعر پارسی بدون باورهای دینی اصالتی ندارد.

بسیاری از شاعران بزرگ و صاحب سبک ایران زمین، شاهکارهایشان تحت تأثیر این گونه باورهاست. مثنوی معنوی راز آشنای بلخ - ملای رومی - بوستان و گلستان شیخ اجل - سعدی شیرازی - خمسه نظامی گنجه‌ای و دیوان نغز و پرمغز حافظ شیرین سخن اگر امروز مانا و پویا شده است، بی شک به دلیل تسلط سرایندگان این آثار ارجمند بر این گونه پشتوانه‌ها و باورها بوده است. همچنین استاد فرزانه توس - فردوسی بزرگ - در سرایش شاهنامه، این اثر سپند و ارجداری که تاریخ - فرهنگ و اصالت ایران و هویت ایرانی را به‌طور کامل در خویش جای داده است، فراوان از باورهای دینی و مذهبی سود جسته است. این شاعر توانا حتی در خلق داستانهای ملی شاهنامه از باورهای مذهبی غافل نبوده است. «خداباوری» و یادکرد از خدایان همانند همچون حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) از جمله موضوعاتی است که در شاهنامه فراوان یافت می‌شود که همه اینها نشان می‌دهد درون‌مایه‌ها و بن‌مایه‌های شعر اصیل پارسی ایران، پشتوانه‌های فرهنگی و مذهبی است. اما یکی از موضوعاتی که در اشعار پارسی سرایان به آن برمی‌خوریم، موضوع «شعر عاشورایی» است. بسیاری از شاعران بزرگ و صاحب سبک ایران از عاشورا و واقعه جانسوز کربلا فراوان یاد کرده‌اند. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در دیوان ارجمندش غزلی دارد عاشورایی که در عصر امروز نیز از آن به عنوان یکی از زیباترین و تأثیرگذارترین غزل‌های عاشورایی می‌توان یاد کرد؛ و شاید بتوان گفت ملای روم نخستین غزل عاشورایی را تقدیم عرصه گسترده شعر عاشورایی نموده است:

کجا بید ای شهیدان خدایی / بلاجویان دشت کربلایی  
کجا بید ای سبک‌روحان عاشق / پرنده‌تر ز مرغان هوایی  
کجا بید ای شهبان آسمانی / بدانسته فلک را در گشایی... ۱۰۰

کجا بید ای سبک‌روحان عاشق / پرنده‌تر ز مرغان هوایی  
کجا بید ای شهبان آسمانی / بدانسته فلک را در گشایی... ۱۰۰

اما شعر کودک ایران نیز در این گونه موضوعات و مضامین بی‌تأثیر از شعر کلاسیک ما نیست. شعر کودک از همان زمان شکل‌گیری‌اش از باورهای مذهبی بسیار تأثیر پذیرفته است. بن‌مایه‌ها و درون‌مایه‌های شعر کودک رنگ و بوی دینی دارد که بی‌گمان میزان بهره‌گیری شاعران کودک‌سرا از مضامین مذهبی در شعرهای کودکان متفاوت و دیگرگونه خواهد بود.

در حوزه شعر کودک شاید بتوان گفت نخستین شاعری که تلاش کرد از پشتوانه‌های مذهبی در سرایش اشعار خود سود ببرد و کودکان ایران زمین را با باورهای مذهبی آشنا سازد بانو «پروین دولت‌آبادی» است. این بانوی



شاعر سروده‌ای دارد زیر عنوان «خدا» که ویژه گروه سنی جیم و دال است. این شعر که در دهه ۴۰ و در قالب مثنوی سروده شده است، امروز نیز یکی از تأثیرگذارترین و زیباترین شعرهای کودک به شمار می‌آید. این مثنوی این گونه آغاز می‌شود:

به مادر گفتم آخر این خدا کیست؟ / که هم در خانه ما هست و هم نیست

تو گفتی: مهربان‌تر از خدا نیست / دمی از بندگان خود جدا نیست

چرا هرگز نمی‌آید به خوابم؟! / چرا هرگز نمی‌گوید جوابم؟!

نماز صبحگاهت را شنیدم / تو را دیدم، خدایت را ندیدم...۳

دکتر قیصر امین‌پور نیز همین مضمون «خداپوری» را در یکی از سروده‌هایش با زبانی ساده و روان برای کودکان نقل کرده است. این شاعر که در سرایش این شعر از قالب مثنوی بهره برده، توحید و یکتایی پروردگار را برای کودکان به گونه‌ای آورده است که فهم این موضوع را برای کودکان آسان نموده است. او تلاش کرده با آوردن مثالهایی، مفهوم یکتایی و یگانگی خدا را برای کودکان قابل لمس نماید:

پیش از اینها فکر می‌کردم خدا / خانه‌ای دارد کنار ابرها  
مثل قصر پادشاه قصه‌ها / خشتی از الماس و خشتی از طلا

...پیش از اینها خاترم دلگیر بود / از خدا در ذهنم این تصویر بود

آن خدا بی‌رحم بود و خشمگین / خانه‌اش در آسمان، دور از زمین

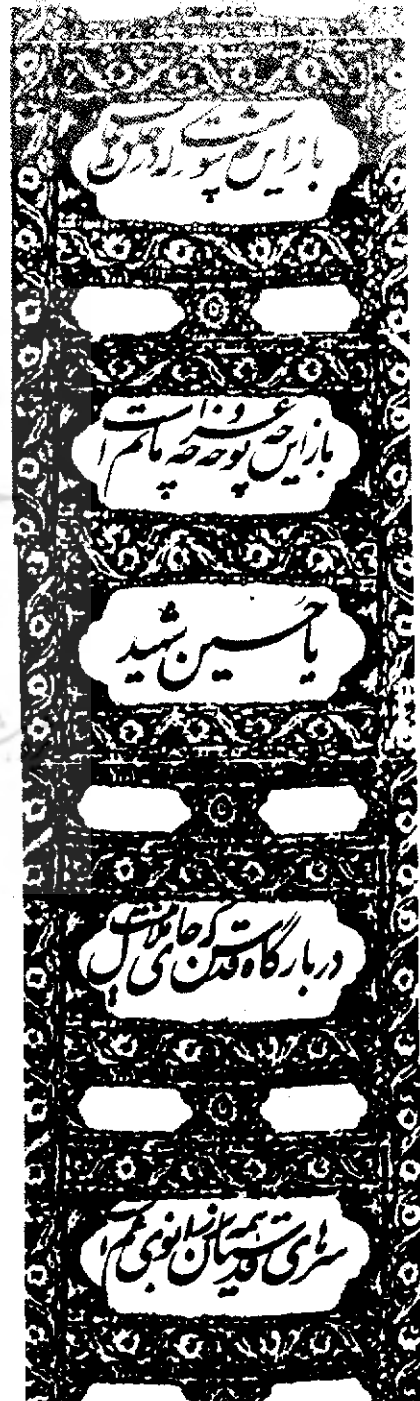
...نیت من در نماز و در دعا / ترس بود و وحشت از خشم خدا

هرچه می‌کردم همه از ترس بود / مثل از برگردن یک درس بود

مثل تمرین حساب و هندسه / مثل تنبیه مدیر مدرسه...۴

ولی غیر از مضمون خداپوری، یکی دیگر از مضامین و موضوعاتی که در شعر کودک بسیار تجلی کرده است، موضوع «عاشورا» است. کودک امروز ایرانی ماه محرم و عاشورا را بهتر از هر چیزی می‌شناسد. اینان دوشادوش بزرگان خود در این ماه در سوگ امام حسین (ع) و دیگر شهیدان دشت کربلا مویه می‌کنند و به مرثیه‌سرایی می‌پردازند.

قیصر امین‌پور در منظومه «نظهر روز دهم» تجلی عاشورا در شعر کودک را به خوبی و زیبایی خاص به تصویر می‌کشد. او در این منظومه نشان می‌دهد که شعر مذهبی در اذهان کودکان امروز نیز می‌تواند به خوبی نقش ببندد و تأثیرگذار باشد. لذا ما بر آنیم در این بخش در این منظومه کتنوکاوی داشته باشیم و این اثر مذهبی را، بررسی کنیم و ببینیم امین‌پور در سرودن این منظومه مذهبی چقدر توفیق داشته است. هر چند پرداختن به



تشریح داستانی خاص که همان حالت «فلاش‌بک» در داستان نویسی است:

روز عاشورا است / کربلا غوغاست / کربلا آن روز غوغا بود / عشق تنها بود!

شاعر در این منظومه تلاش کرده با بهره‌گیری از عناصر داستان نویسی به‌ویژه شخصیت‌پردازی، دیالوگ و... ماجرای واقعه عاشورا و چگونگی شهادت یک «کودک» را با ابیاتی شاعرانه به تصویر بکشاند.

تبیین فضاهایی مثل: «ریگهای تشنه»، «بوته‌های خار»، «عطش بر دشت باریدن»، «آهن و فولاد» و... همه نشان از جنگ و مبارزه در دشت عطشناک و سوخته‌نی‌نوا دارد؛ و شاعر این شعر با فضا سازی خاص و با استفاده از زبان و بیان کودکان در سرودن این منظومه کودکانه توفیق فراوانی یافته است.

### ● گفتگو (دیالوگ)

یکی دیگر از شگردهایی که شاعر در سرودن این منظومه از آن سود جسته است، عنصر گفتگو است. گفتگو یا دیالوگ اگرچه در فن داستان نویسی فراوان کاربرد دارد اما در منظومه‌سرایی نیز کاربردش انکارناپذیر است. بسیاری از شاعران بزرگ و صاحب سبکی همچون رزمی‌سرای بزرگ توس در سرودن شاهنامه ارجمندش و همچنین مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در سرودن مثنوی معنوی خود و حکیم نظامی گنجهای در سرودن خمسه‌اش از عنصر دیالوگ بسیار استفاده کرده‌اند.

در شعر کودک نقش گفتگو دوچندان می‌گردد. کودکان به‌خاطر این که بهتر و راحت‌تر با اثر ارتباط برقرار کنند، شاعران توانا و خوب کودک تلاش کردند از دیالوگ استفاده قابل توجهی نمایند.

شاعر منظومه «ظهر روز دهم» پس از این که به اثرش حالت داستانی می‌بخشد، تلاش می‌کند از یکی از عناصر اصلی فن داستان نویسی؛ دیالوگ، نیز بهره کافی ببرد تا تأثیر کلام وی در ذهن مخاطبش بیشتر شود.

- گفت: اینک من، / یآوری دیگر

- چشمها از یکدگر پرسان: / «کودک و میدان!»

- گفت: «هو فرزند آن مردی که لختی پیش / خون او در قلب میدان ریخت!

- کودک ما گفت: / پای من در جست‌وجوی جای پای اوست؟

که غیر از این موارد یادشده، نمونه‌های فراوان دیگری در این منظومه است که نقش و تأثیر عنصر گفتگو را به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد؛ و شاید بتوان گفت اگر شاعر در سرودن این منظومه از دیالوگ استفاده نمی‌کرد و یا کمتر بهره می‌گرفت قطعاً تأثیرگذاری و قدرت این منظومه به این اندازه نبود. عنصر دیالوگ به این منظومه روح داد و حرکت بخشید تا در ذهن و زبان خوانندگانش بیشتر نقش ببندد و خوانندگان این منظومه



ادبیات مذهبی کودک نیاز به بررسی چندسویه و ژرف دارد و لازم است این‌گونه آثار با موضوعات ویژه حتی آسیب‌شناسی شده، اما چون در این مقال مجال پرداختن به آنها نیست. لذا به برخی از نکاتی که می‌توان در بررسی اجمالی منظومه «ظهر روز دهم» بدان پرداخت، به کوتاهی اشارتی می‌نماییم:

### ● جنبه داستانگونی

یکی از ویژگیهای بارز شعر کودک توجه شاعر به جنبه داستانگونی آن است. اساساً منظومه‌ها حالت داستانی دارند و روایت موضوعی خاص، شالوده این‌گونه اشعار را تشکیل می‌دهد. امین‌پور در سرایش این منظومه به تأثیر عنصر روایت و داستانگونی شعر عمیقاً معتقد است، لذا سعی کرده در این منظومه وجه داستانگونی آن بر بسیاری از وجوه دیگر غالب باشد.

شاعر فضا را با دو فعل «است» و «بود» که یکی اشاره به زمان حال دارد و دیگری اشاره به زمان گذشته به تصویر می‌کشد. درحقیقت شاعر از زمان حال به زمان گذشته برمی‌گردد و شروع می‌کند به روایت و



بهتر بتوانند با این اثر ارتباط برقرار کنند.

### ● جاندارانگاری (Animism)

یکی از ویژگیهای مهم شعر کودک، بهره‌گیری از آنیمیزم است. اعتقاد کودکان به جاندارانگاری در عصر حاضر غیرقابل انکار است. بسیاری از روان‌شناسان به‌ویژه «ژان پیاژه» بر این عقیده‌اند که کودکان اساساً به هر موجودی بی‌جان، جان می‌بخشند و با آن زندگی می‌کنند. کودکان به راحتی می‌توانند با عروسکهای بی‌جان خود همچون یک موجود جاندار و چه بسا از هر موجود جاندار بهتر ارتباط مستقیم برقرار کنند و با آنها سخن بگویند. این کودکان رازهای مگوی خود را به عروسکها، ستاره‌ها، درختها، دریاها، رودخانه‌ها و... راحت‌تر می‌گویند و به آنها بهتر اعتماد می‌کنند. لذا جان بخشیدن به هر چیز بی‌جان و درحقیقت جاندارانگاری در زندگی کودکان امری کاملاً طبیعی است. به همین خاطر شاعران در سرودن شعر کودک به تشخیص یا جاندارانگاری عنایت ویژه‌ای دارند.

قیصر امین‌پور نیز در سرودن منظومه خود از جاندارانگاری بهره فراوانی برده است. عنصر جاندارانگاری و استعاره انسان‌مدارانه، زیبایی شعر کودک را فزونی می‌بخشد. به همین دلیل سراینده منظومه «ظهر روز دهم» نیز از این مقوله در حد امکان استفاده کرده است. چنانچه در شعر این شاعر همه چیز سخن می‌گویند. دشت، آسمان، زمین، همه و همه مثل انسان زبان به سخن می‌گشایند و حرف می‌زنند:

- آسمان مات و زمین حیران!۷

- و زمین و آسمان دیدند: / کودکی تنها به میدان رفت  
۸- آسمان غرق تماشا بود / ابرها را آسمان از پیش چشم خویش پس می‌زد. / و زمین از خستگی در زیر پای او نفس می‌زد / آسمان بر طبل می‌کوبید...۹

### ● نقش کودک در این منظومه

یکی دیگر از ویژگیها و امتیازات برجسته منظومه «ظهر روز دهم»، نقش انکارناپذیر کودک در این اثر است. شخصیت اصلی این منظومه کودکی است که درحقیقت قهرمان اصلی داستان به شمار می‌آید. شاعر در سرودن این منظومه، دلاوریها و پهلوانیهای «عمرو» این کودک عاشورایی را به تصویر می‌کشاند. کودکی که به محض ورود به آردگاه در برابر صف دشمن می‌ایستد و با غرور و افتخار، رجزی زیبا می‌خواند و چه‌قدر هم شگفت‌هنجار می‌شکند و رسم معمول اعراب را برهم می‌زند! او فریاد برمی‌آورد: «میری حسین ونعم الامیر...» و این عبارت موجز و رسی یکی از جاودانه‌ترین سرودها در آذهنان و اعصار باقی می‌ماند.

شاعر این منظومه، داستان این کودک مبارز و جنگاور را آن‌گونه که شایسته‌اش می‌باشد به تصویر می‌کشد و به‌حق تلاش می‌کند تصویرش را به همان شیوه که در میدان مبارزه بوده نشان بدهد.

وقتی سالار شهیدان امام حسین (ع) می‌فرماید: «هست آیا یآوری ما را؟» در همین هنگام کودکی پا به میدان جهاد می‌گذارد:

کودکی از خیمه بیرون جست / کودکی شور خدا در سر / با صدایی گرم و روشن / گفت: «اینک من / یآوری دیگر!۱۰»

سپس شاعر تلاش می‌کند نقش همسالان این کودک را بازگو نماید. همسالانی که در این سن و سال کارشان و تمام سعی‌شان فقط شیطنت و بازی است. این کودک مشغول جانبازی است. دیالوگها و گفت‌وگوهای رد و بدل می‌شود؛ سؤالهایی در میدان مبارزه از این کودک خردسال پرسیده می‌شود، و کودک استوار و ستر پاسبان زیبایی می‌دهد:

ای کودک! مادرت آیا خبر دارد؟ / کودک ما گرم پاسخ داد: / مادرم با دستهای خود / بر کمر شمشیر بیکار مرا بسته است.۱۱

امین‌پور در ادامه این منظومه سعی دارد نقش کودک را هر لحظه پررنگ‌تر و در عین حال حماسی‌تر نشان دهد. در این منظومه روایت زندگی این کودک آن‌گونه شگفت و تأثیرگذار است که مخاطب را تا پایان با خود به همراه می‌کشد. تصویرها آن‌گونه در شعر نقش بسته است که گویی مخاطب به جای خواندن، مشغول تماشاگردن است. زیبایی داستان از یک سو و توانایی سراینده در به کار گرفتن واژگان استوار و در عین حال گاه حماسی و گاه عاطفی از دیگر سوی، موجب شده است شعر مانا‌تر و زیباتر شود؛ به‌ویژه بخش پایانی این منظومه دقیقاً پس از شهادت کودک که شاعر بسیار پرسوز و گداز آن را بازگو می‌کند:

من نمی‌دانم چه شد دیگر / بس که میدان خاک بر سر زد / بعد از آن چیزی نمی‌دیدم / در میان گرد و خاک و دشت / مرغی از میدان به سوی آسمان پر زد / پرده هفت آسمان افتاد.۱۲

#### ○ بی‌نوشتها:

- ۱- کلیات شمس، دفتر ششم، غزل ۲۷۰۷
- ۲- از صبا تا نیما، ج اول، صص ۷-۸
- ۳- بر قایق ابرها، صص ۱۰-۱۱
- ۴- نان و پروانه، صص ۵۱-۵۲
- ۵- ظهر روز دهم، ص ۶
- ۶- همان، صص ۱۰-۱۱
- ۷- همان، ص ۱۰
- ۸- همان، ص ۱۳
- ۹- همان، صص ۱۴-۱۵
- ۱۰- همان، ص ۱۰
- ۱۱- همان، ص ۱۲
- ۱۲- همان، ص ۱۶

#### ○ منابع و ماخذ:

- ۱- ظهر روز دهم، قیصر امین‌پور، تهران: سروش، چاپ اول ۱۳۷۳.
- ۲- بر قایق ابرها، پروین دولت‌آبادی، تهران: نقره، چاپ اول ۱۳۷۲.
- ۳- از صبا تا نیما، یحیی آرین‌پور، تهران: چاپخانه سپهر یا همکاری نشر فرانکلین، چاپ پنجم ۱۳۵۷.
- ۴- نان و پروانه، به کوشش حسین حداد، تهران: محراب قلم، چاپ اول ۱۳۷۷.

